

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

رساله مقطع دکتری

رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

تحلیل فقهی شخصیت حقوقی

استاد راهنما

دکتر محمد تقی فخلعی

استاد مشاور

دکتر محمد حسن حائری

دانشجو

محمد علی قاسمی

زمستان ۱۳۹۳

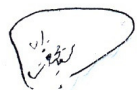
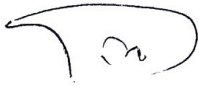







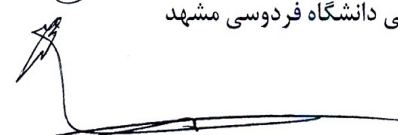
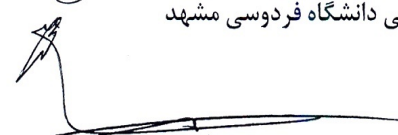
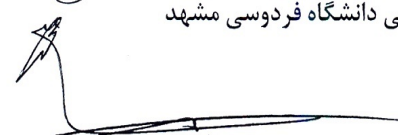




صور تجلسه دفاع از رساله دکترا

جلسه دفاع از رساله محمد علی قاسمی دانشجوی دوره دکترای رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی در ساعت ۹ روز دوشنبه ۱۳۹۳/۱۰/۲۹ در محل شورای بزرگ دانشکده الهیات با حضور امضا کنندگان ذیل تشکیل گردید. پس از بررسی های لازم، هیأت داوران پایان نامه نامبرده را با نمره به عدد ۱۸۰۰۰، به حروف هجری و با درجه مورد تأیید قرار داد.

عنوان رساله

تحلیل شخصیت حقوقی در فقه

امضا	هیئت داوران
	داور مدعو رساله: دکتر سید محمد مهدی قبولی درافشان
	دانشیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد
	داور رساله: دکتر سید محمد تقی قبولی درافشان
	دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد
	داور رساله: دکتر حسین ناصری مقدم
	دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد
	نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر عباسعلی سلطانی
	دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد
	استاد راهنما: دکتر محمد تقی فخلعی
	استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد
	استاد مشاور: محمد حسن حائری
	استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد
	مدیر گروه: دکتر محمد تقی فخلعی
	استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

اظهارنامه

اینجانب محمد علی قاسمی دانشجوی دوره دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد نویسنده رساله تحلیل فقهی شخصیت حقوقی تحت راهنمایی استاد گرامی جناب آقای دکتر محمد تقی فخلعی متعهد می‌شوم:

۱. تحقیقات در این رساله/پایان نامه توسط اینجانب انجام شده است و از صحت و اصالت برخوردار است.

۲. در استفاده از نتایج پژوهشهای محققان دیگر به مرجع مورد استفاده استناد کرده‌ام.

۳. مطالب مندرج در رساله تاکنون توسط خود یا فرد دیگری برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی در هیچ جا ارائه نگردیده است.

۴. کلیه حقوق معنوی این اثر متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد است. مقالات مستخرج با نام «دانشگاه فردوسی مشهد» و یا «Ferdowsi University of Mashhad» به چاپ خواهد رسید.

۵. حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی رساله تأثیرگذار بوده‌اند را در مقالات مستخرج از رساله رعایت کنم و در تمامی آنها نام استاد راهنما به عنوان نویسنده مسئول و نیز نام استاد مشاور و نشانی الکترونیکی دانشگاهی آنان را قید نمایم.

۶. در کلیه مراحل انجام این رساله، در مواردی که به حوزه اطلاعات شخصی افراد دسترسی داشته یا از آنها استفاده کرده‌ام، اصل رازداری، ضوابط و اصول اخلاق پژوهشی را رعایت نموده‌ام.

تاریخ ۱۳۹۳/۱۲ امضای دانشجو

محمد علی قاسمی

مالکیت نتایج و حق نشر

- کلیه حقوق معنوی این اثر و محصولات آن (مقالات مستخرج، کتاب، برنامه‌های رایانه‌ای، نرم‌افزارها و تجهیزات ساخته شده) متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد. این مطلب باید به نحو مقتضی در تولیدات علمی مربوط ذکر شود.
- استفاده از اطلاعات و نتایج موجود در رساله بدون ذکر مرجع مجاز نیست.

تقدیم به:

پیشگاه رسول نور و هدایت، پیامبر اعظم، نبی گرامی
اسلام حضرت محمد مصطفی ﷺ و فرزندان
معصومش به ویژه امام صادق ﷺ و عالم آل محمد
امام رضا ﷺ که از نعمت تحصیل در جوارش بهره‌مند
هستیم.

و تقدیم به روح مادر عزیزم که در آستانه دفاع از رساله، از نعمت
وجودشان محروم شدم.

تشکر و تقدیر فراوان:

از استاد راهنمای گرانمایه‌ام جناب دکتر محمد تقی
فخلعی که از راهنماییهای ارزنده‌شان در این رساله
برخوردار بودم.

سپاس و امتنان بی‌شمار:

از استاد مشاور ارجمندم جناب دکتر محمد حسن
حائری که مشورت‌های راهگشایشان در این پایان‌نامه
چراغ راه من بود.

و قدردانی بی‌پایان:

از اساتیدی که در تحصیل من نقش داشته‌اند؛
از پدر و مادر عزیزم که همیشه راهنما و مشوق من
هستند؛
و از همسر بردبارم که با صبر و همکاری خود، پشتیبان
من بوده‌اند.



باسمه تعالی

مشخصات رساله تحصیلی دانشجویان

دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان رساله: تحلیل فقهی شخصیت حقوقی

نویسنده: محمد علی قاسمی

استاد مشاور: دکتر محمد حسن حائری

استاد راهنما: دکتر محمد تقی فخلعی

دانشکده: الهیات

گروه: فقه

رشته تحصیلی: فقه و مبانی حقوق اسلامی

تاریخ تصویب: بهار ۱۳۹۰

تاریخ دفاع: زمستان ۱۳۹۳

مقطع تحصیلی: دکتری

تعداد صفحات: ۱۸۰

چکیده رساله:

شخصیت حقوقی یکی از مهم‌ترین مفاهیم حقوقی است که گستره فراوانی در زندگی اجتماعی امروز دارد. با توجه به اینکه حق و تکلیف در فقه به مکلف نسبت داده شده و موضوع این دانش، فعل مکلف است و از سوی دیگر در دوران معاصر، موضوعات غیرانسانی جایگاه ویژه‌ای یافته و برای آن‌ها نقشی همانند نقش انسان در بسیاری از حقوق و تکالیف در نظر گرفته شده است، این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان موضوع فقه را تعمیم داد و شامل شخص حقوقی نیز دانست یا خیر؟ به طور ویژه، آیا مالکیت از ویژگی‌های شخص حقیقی است یا شخص حقوقی نیز می‌تواند مالک شود؟

به نظر می‌رسد شخص حقوقی نیز همانند شخص حقیقی می‌تواند موضوع حق و تکلیف قرار گیرد و دارای اهلیتی همانند اهلیت تملک باشد. ضمن اینکه شخص حقوقی در فقه نیز دارای سابقه است و بعضی از موضوعات فقهی همانند جهات عامه را می‌توان ذیل شخص حقوقی تحلیل کرد و ادله‌ای را برای صحت و وجود شخص حقوقی در فقه اقامه نمود.

این رساله در سه فصل سامان یافته است:

فصل اول: «کلیات (مفاهیم و تقسیمات)» که ضمن بررسی مفهوم و نظریات مطرح شده درباره ماهیت شخصیت حقوقی، زمینه‌های فقهی آن را در ذیل مفاهیمی همانند «مالکیت» و «ذمه» طرح کرده است.

فصل دوم: «دلایل اثبات و آثار شخصیت حقوقی از منظر فقه» که در مبحث دلایل به بررسی اطلاق لفظی ادله بیع، سیره عقلا و مالکیت برخی از موضوعات غیرانسانی پرداخته و در مبحث آثار، سه اثر مهم مسئولیت مدنی، کیفری و استقلال در اموال مطرح شده است.

فصل سوم: «مصادیق شخصیت حقوقی در فقه» که در آن مهم‌ترین مصادیق، همانند امام و حاکم مسلمین، امت، جهات عمومی، نهاد وقف، بیت‌المال و مالیات‌های اسلامی بررسی شده است.

کلید واژگان: شخصیت حقوقی، جهات عامه، مالکیت، ذمه، مسئولیت مدنی

امضای استاد راهنما:

تاریخ:

فهرست مطالب

مقدمه	۱
أ. تعریف مسئله	۱
ب. ضرورت تحقیق و هدف	۲
ج. سؤال‌های اساسی تحقیق	۳
د. فرضیه‌ها	۳
ه. پیشینه تحقیق	۴
و. ساختار تحقیق	۵
فصل اول: کلیات	۸
مبحث اول: بررسی لغوی واصطلاحی شخصیت حقیقی و حقوقی	۸
گفتار اول: شخصیت	۸
گفتار دوم: شخصیت حقیقی	۱۰
گفتار سوم: شخصیت حقوقی	۱۰
مبحث دوم: زمینه‌های شخصیت حقوقی در فقه	۱۳
گفتار اول: اهلیت تملک	۱۴
أ. مفهوم مالکیت	۱۴
ب. اهلیت تملک در اشخاص حقوقی	۱۷
گفتار دوم: ذمه	۲۰
أ. بررسی مفهومی ذمه	۲۰
ب. ذمه در موضوعات غیر انسانی	۲۳

۲۴	مبحث سوم. ماهیت شخصیت حقوقی
۲۵	گفتار اول: نظریه مجازی
۲۹	گفتار دوم: نظریه واقعی بودن
۳۲	گفتار سوم: سائر نظریه‌ها
۳۲	أ. نظریه مالکیت مشترک و جمعی
۳۳	ب. نظریه مالکیت اعتباری
۳۴	گفتار چهارم: نظریه قابل قبول
۳۵	مبحث چهارم: اقسام شخص حقوقی
۳۶	گفتار اول: اشخاص حقوقی حقوق عمومی
۳۷	أ. دولت
۳۸	ب. اشخاص حقوقی وابسته به قدرت عمومی
۴۰	ج. سازمان‌های حرفه‌ای
۴۰	د. شوراها
۴۱	گفتار دوم: اشخاص حقوقی حقوق خصوصی
۴۱	أ. شرکت‌های تجاری
۴۲	ب. مؤسسات غیر تجاری
۴۳	گفتار سوم: بررسی مقایسه‌ای
۴۳	أ. نقاط اشتراک
۴۵	ب. نقاط افتراق
۴۷	مبحث پنجم: فوائد نظریه شخص حقوقی
۵۰	فصل دوم: دلایل اثبات و آثار شخصیت حقوقی از منظر فقه
۵۰	مبحث اول: دلایل اثبات شخصیت حقوقی از منظر فقه
۵۰	گفتار اول: اطلاق لفظی ادله بیع
۵۱	أ. شرایط صحت تمسک به اطلاق
۵۲	ب. اطلاق ادله بیع و صحت بیع شخص حقوقی
۵۴	گفتار دوم: سیره عقلا
۵۵	أ. مفهوم سیره عقلا
۵۶	ب. اقسام سیره عقلا
۵۹	ج. شرایط اعتبار سیره عقلا

۶۳	د. سیره عقلا در شخصیت حقوقی
۶۷	گفتار سوم: مالکیت برخی موضوعات غیرانسانی
۶۷	أ. وقف به نفع جهات عمومی
۶۷	۱. مفهوم جهات عمومی
۶۹	۲. صحت وقف بر جهات عامه
۷۱	۳. ملکیت جهات عامه بر مال وقفی
۷۳	ب. وصیت به نفع جهات عمومی
۷۳	۱. وصیت تملیکی و عهدی
۷۵	۲. صحت وصیت بر جهات عامه
۷۸	مبحث دوم: آثار شخصیت حقوقی از منظر فقه
۷۹	گفتار اول: مسئولیت مدنی شخص حقوقی
۷۹	أ. تعریف مسئولیت مدنی
۸۱	ب. اقسام مسئولیت مدنی
۸۳	ج. مسئولیت مدنی شخص حقوقی
۸۴	۱. مسئولیت مدنی بین‌المللی دولت
۸۵	۲. مسئولیت مدنی داخلی دولت
۸۹	گفتار دوم: مسئولیت کیفری شخص حقوقی
۸۹	أ. مفهوم مسئولیت کیفری
۹۱	ب. نظریه‌های مطرح شده درباره مسئولیت کیفری شخص حقوقی
۹۱	۱. نظریه عدم مسئولیت کیفری شخص حقوقی
۹۳	۲. نظریه مسئولیت کیفری شخص حقوقی
۹۶	ج. چگونگی انتساب جرم به اشخاص حقوقی
۹۷	د. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی ایران
۱۰۰	گفتار سوم: استقلال اموال
۱۰۵	فصل سوم: مصادیق شخص حقوقی در فقه
۱۰۵	مبحث اول: امام و حاکم مسلمین
۱۰۷	گفتار اول: مفهوم حاکم و امام
۱۰۷	أ. مفهوم حاکم
۱۰۹	ب. مفهوم امام

گفتار دوم: ادله اثبات شخصیت حقوقی حاکم یا امام.....	۱۱۲
أ. باب زکات.....	۱۱۳
ب. باب احیاء موات.....	۱۱۵
مبحث دوم: امت (مسلمین).....	۱۱۸
گفتار اول: مفهوم امت.....	۱۱۸
گفتار دوم: مفهوم ملت و ارتباط آن با امت.....	۱۱۹
گفتار سوم: مالکیت امت نسبت به اراضی مفتوح عنوه.....	۱۲۱
أ. مفهوم زمین «مفتوح عنوه».....	۱۲۱
ب. احکام اراضی «مفتوح عنوه».....	۱۲۲
ج. شخصیت حقوقی مسلمین.....	۱۲۵
مبحث سوم: جهات عمومی.....	۱۲۷
گفتار اول: تعریف جهات عامه.....	۱۲۸
گفتار دوم: ادله اثبات شخصیت حقوقی جهات عامه.....	۱۲۹
أ. وقف به نفع جهات عامه.....	۱۳۰
ب. وصیت به نفع جهات عامه.....	۱۳۳
ج. نذر و اقرار به نفع جهات عامه.....	۱۳۴
مبحث چهارم: نهاد وقف.....	۱۳۵
گفتار اول: تعریف وقف.....	۱۳۶
أ. معنای لغوی وقف.....	۱۳۶
ب. معنای اصطلاحی وقف.....	۱۳۷
گفتار دوم: ادله اثبات شخصیت حقوقی وقف.....	۱۳۹
أ. مالکیت موقوفه.....	۱۳۹
ب. مالک شدن عنوان وقف.....	۱۴۲
ج. ثبوت ذمه برای وقف و امکان مدیون شدن آن.....	۱۴۳
د. ثبوت حق شفعه برای وقف.....	۱۴۴
مبحث پنجم: بیت‌المال.....	۱۴۶
گفتار اول: مفهوم بیت‌المال.....	۱۴۶
گفتار دوم: انواع بیت‌المال.....	۱۴۸
گفتار سوم: دلایل اثبات شخصیت حقوقی بیت‌المال.....	۱۵۰

۱۵۰	أ. مالکیت بیت‌المال
۱۵۱	ب. مسئولیت بیت‌المال ناشی از عمل غیر
۱۵۵	مبحث ششم: مالیات‌های اسلامی
۱۶۱	نتیجه‌گیری
۱۶۶	کتابنامه
۱۶۶	أ. کتاب‌ها
۱۶۶	۱. کتاب‌های فارسی
۱۷۰	۲. کتاب‌های عربی
۱۷۹	ب. مقالات
۱۸۰	ج. منابع انگلیسی

مقدمه

أ. تعریف مسئله

هر فردی در جامعه، شخصیت حقیقی دارد و می‌تواند به وسیله آن دارای حق و تکلیف گردد و آن را اجرا نماید. این قابلیت، ودیعه‌ای الهی است که به اعتبار طبیعت انسانی، در آدمی نهاده شده است. با این حال، در میان روابط حقوقی جامعه، حقوق و تعهداتی دیده می‌شود که موضوع آن اشخاص طبیعی نیستند، بلکه جمعیت‌ها و مؤسساتی‌اند که مانند اشخاص طبیعی دارایی دارند و آن‌ها را «اشخاص حقوقی اعتباری» می‌نامند. حقوق‌دانان بر آنند که شخص حقوقی موجودی حقوقی است و قانون از نظر منافع جامعه، وجود آن را به رسمیت شناخته است و به او اجازه داده که بتواند دارایی مخصوص داشته باشد و از منافع اختصاصی خود دفاع کند و مانند اشخاص طبیعی، وجود حقوقی جداگانه‌ای بیابد.^۱

بدین جهت، هر شخص حقوقی دارای اراده مخصوص به خود است که از اراده افراد آن جدا است و همچنین دارای یک فعالیت حقوقی خاصی غیر از فعالیت افراد آن است. اشخاص حقوقی برای آنکه بتوانند از اراده خود استفاده کنند و فعالیت آن‌ها بی‌اثر نماند، باید از حمایت قانون بهره‌مند گردند و شخصیت حقوقی آن‌ها از طرف قانون شناسایی شود.

بنابر این می‌توان گفت: شخص حقوقی هنگامی پدید می‌آید که دسته‌ای از افراد، که دارای منافع و فعالیت مشترک هستند، یا پاره‌ای از اموال، که به اهداف خاصی اختصاص داده شده‌اند،

۱. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج ۴، ص ۱۵۰.

در کنار هم قرار بگیرند و قانون آن‌ها را طرف حق و تکلیف بشناسد و برای آن‌ها شخصیت مستقلی قائل گردد مانند دو نهاد دولت و وقف.

با توجه به این که، حق و تکلیف در فقه به مکلف نسبت داده شده و موضوع این دانش فعل مکلف است و از سوی دیگر در دوران معاصر، شخص حقوقی دارای نقش بیشتر و پررنگ‌تری شده است؛ این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان موضوع فقه را تعمیم داده و شامل شخص حقوقی نیز بدانیم یا خیر؟ به باور برخی، بعضی از نهادها و مفاهیم فقهی همانند وقف، امت و جهات عامه را می‌توان با عنوان شخص حقوقی تحلیل کرد و همان آثاری را که در حقوق بر شخص حقوقی مترتب می‌شود، بر آن‌ها مترتب نمود.^۱

ب. ضرورت تحقیق و هدف

با گسترش روابط و تجارت در زندگی اجتماعی، هر روز با موضوعات جدیدی روبه‌رو می‌شویم که به جای شخص آدمی، عناوین دیگری جایگزین شده و مسئولیت امور را به عهده گرفته‌اند. این عناوین که دارای اسامی و قالب‌های مختلفی هستند، به مرور زمان امور بیشتری را به عهده گرفته و جایگاه قابل توجهی پیدا کرده و می‌کنند. این عناوین که از آن‌ها با اصطلاح «شخص حقوقی» یا «شخصیت حقوقی» یاد می‌شود، نیازمند این هستند که یکایک آن‌ها شناخته و بررسی شده، دامنه صلاحیت‌ها، تکالیف و حقوق، چگونگی ایجاد و زوال، سابقه تاریخی و مصادیق آن‌ها تعیین شوند و به ویژه، جایگاه «شخصیت حقوقی» از دیدگاه فقه بررسی شود؛ چراکه در یک جامعه اسلامی و از منظر اشخاص متشرع، همه امور می‌بایست با دیدگاه فقهی سنجیده شده و صحت و بطلان، شرایط و قلمرو آن‌ها از نظر فقهی تعیین شود.

از آنجا که اکثر مصادیقی که امروزه ذیل «شخص حقوقی» قرار دارند، در گذشته سابقه‌ای نداشته‌اند و در ادله شرعی، به صراحت نامی از آن‌ها برده نشده است، تعیین وضعیت آن‌ها از منظر فقهی، نیازمند بررسی‌های دقیق‌تری است. شرکت‌ها، بانک‌ها، مسئولیت مدنی و کیفری اشخاص حقوقی و... از موضوعات مهمی هستند که تبیین آن‌ها نیازمند بحث تفصیلی از شخصیت حقوقی، ویژگی‌ها و جایگاه آن در فقه است.

۱. دیدگاه‌های مختلف در این باب، در فصل سوم رساله مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ج. سؤال‌های اساسی تحقیق

۱. در کنار شخص حقیقی، آیا اشخاص حقوقی نیز از منظر فقهی می‌توانند موضوع حق و تکلیف قرار گیرند و از اهلیت برخوردار شوند یا خیر؟
۲. آیا زمینه‌هایی از شخصیت حقوقی را می‌توان در فقه یافت؟ و آیا می‌توان هویت فقهی برای آن‌ها جستجو کرد یا خیر؟
۳. آیا علاوه بر مسئولیت مدنی، مسئولیت کیفری نیز متوجه شخص حقوقی هست؟
۴. آیا معیار و ضابطه معینی را می‌توان در باب شخصیت حقوقی ارائه کرد؟
۵. بر فرض وجود شخص حقوقی در فقه، مصادیق آن کدام است و ویژگی‌ها و خصوصیات آن‌ها چیست؟
۶. در صورتی که مصادیقی از شخص حقوقی، در عصر معصوم را بیابیم چگونه می‌توان آن را بر موضوعات جدید نیز منطبق کرد؟

د. فرضیه‌ها

۱. شخص حقوقی نیز همانند شخص حقیقی می‌تواند موضوع حق و تکلیف قرار گرفته و دارای اهلیت باشد.
۲. شخص حقوقی در فقه نیز دارای سابقه است و بعضی از موضوعات فقهی را می‌توان ذیل شخص حقوقی تحلیل کرد و ادله‌ای (از جمله بعضی از اطلاقات) را می‌توان برای صحت و وجود شخص حقوقی در فقه اقامه کرد.
۳. شخص حقوقی نیز دارای مسئولیت کیفری است، گرچه در این جهت تفاوت‌هایی را با شخصیت حقیقی دارد.
۴. معیار و ملاک شخصیت حقوقی، اهلیت تملک حقوق و صلاحیت مالک شدن آن موضوع است.
۵. بعضی از عناوین فقهی همانند وقف، دولت، بیت‌المال و جهات عامه را می‌توان دارای شخصیت حقوقی دانست.
۶. با توجه به ملاک و ضابطه‌ای که می‌توان برای شخصیت حقوقی تعریف نمود، این عنوان اختصاصی به موضوعات زمان معصوم ندارد و می‌توان آن را بر مصادیق جدید هم منطبق نمود.

ه. پیشینه تحقیق

«شخصیت حقوقی» از مفاهیم اعتباری است که بر اساس نیازها و ضرورت‌های جامعه، ایجاد شده است و همین ضرورتها باعث شده تا به گروه یا موضوعی، امکان مالکیت و تصرف در اموال داده شود.

در حقوق ایران، نخستین بار عنوان «شخصیت حقوقی» در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ مطرح شده و سپس در جلد دوم قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ نیز، قواعد اقامتگاه شخص حقوقی بیان شده و در ادامه، در قوانین متعددی از جمله قوانین خاص مربوط به دستگاه‌ها، به آن اشاره شده است. از منظر تحقیق و پژوهش، این موضوع به ویژه در فقه، سابقه اندکی دارد و در هیچ قالبی به صورت همه جانبه به این موضوع پرداخته نشده است. مباحث مرتبط به این موضوع را باید در مباحث کلی مالکیت و همچنین ذیل مصادیقی چون وقف، بیت‌المال و جهات عامه، جستجو کرد. اما از منظر حقوقی، این موضوع از جهات مختلف بررسی شده است و در کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌ها می‌توان ردپای آن را یافت.

از جمله منابعی که به این موضوع پرداخته یا اشاره داشته‌اند، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- کتاب شخصیت حقوقی، تألیف محمد جواد صفار؛ در این کتاب به صورت مبسوط به این موضوع پرداخته شده است و در قسمتی از این کتاب، به بعضی از مصادیق فقهی آن نیز پرداخته شده است. کتاب «جایگاه شخصیت حقوقی در فقه از نظر حقوق و تکالیف» از خانم زهرا مرادی جوقان که البته تقریباً مطلبی اضافه بر کتاب آقای صفار ندارد. همچنین کتاب «فقه العقود» از آقای کاظم حسینی حائری، کتاب «فقه الشرکة علی نهج الفقه و القانون» از آقای عبدالکریم موسوی اردبیلی نیز در ضمن مباحث خود، به موضوع اشخاص حقوقی اشاره کرده‌اند.

- در تعداد اندکی از مقالات نیز این بحث مطرح شده است بعضی اصل موضوع را بررسی کرده‌اند و بعضی به بررسی بخشی از مصادیق این موضوع همانند وقف و جهات عامه پرداخته‌اند. از جمله مقالات می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «مالکیت شخصیت‌های حقوقی» از آقای حائری و مقاله «شخصیات المعنویة فی الفقه الاسلامی» از آقای هادوی تهرانی، مقاله «شخصیت حقوقی وقف» تألیف محمد رحمانی اشاره کرد.

۳. در بعضی از پایان‌نامه‌های تحصیلی به بعضی از جنبه‌های موضوع پرداخته شده است از جمله: مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی از آقای محمد حسن حسینی که در دانشگاه شهید بهشتی دفاع شده است یا موضوعاتی همانند مالیات اشخاص حقوقی، روش‌های حل اختلاف دستگاه‌های دولتی. بدیهی است که این پایان‌نامه‌ها بررسی همه جانبه‌ای از موضوع نداشته‌اند، ضمن اینکه در آن‌ها بحث صرفاً از منظر حقوقی است. البته پایان‌نامه‌ای با عنوان بررسی شخصیت حقوقی از دیدگاه فقه امامیه و حقوق موضوعه از آقای احمد صادقی در دانشگاه قم در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۵ دفاع شده است که با توجه به بررسی تطبیقی عنوان، بخش زیادی از مباحث به بررسی حقوقی اختصاص دارد ضمن اینکه فاقد برخی از مباحث مرتبط فقهی است.

بررسی همه جانبه موضوع از دیدگاه فقهی و تبیین جایگاه آن در میان سایر موضوعات فقهی، امری نیازمند دقت در ادله و کاوش در منابع فقهی است که تا کنون به صورت جامع، انجام نگرفته است. گرچه به صورت پراکنده و در جوانبی از موضوع، تلاش‌هایی صورت گرفته است. مباحثی چون امکان استفاده از ادله سائر عقود برای اثبات مالکیت شخص حقوقی، ملاک جامع فقهی در شخص حقوقی و... برخی از سرفصل‌هایی است که در تحقیقات مشابه، سابقه اندکی دارد؛ ضمن اینکه برخی از کارهای انجام گرفته گزارشی است و در آن‌ها بحث استدلالی انجام نشده است.

هدف اصلی انجام این تحقیق، تبیین همه جوانب موضوع به روش فقه استدلالی است که در صورت تحقق، می‌تواند به سؤالات متعدد مرتبط به این موضوع پاسخ دهد.

و. ساختار تحقیق

این رساله در سه فصل سامان یافته است:

فصل اول: «کلیات (مفاهیم و تقسیمات)»: این فصل که شامل پنج مبحث می‌باشد، ضمن بررسی لغوی و اصطلاحی شخصیت حقوقی و حقیقی، زمینه‌های شخصیت حقوقی در فقه، ماهیت شخص حقوقی، اقسام و فوائد نظریه شخص حقوقی را به تفصیل مورد بررسی قرار داده است.

فصل دوم: «دلایل اثبات و آثار شخصیت حقوقی از منظر فقه» که دارای دو مبحث است. در

مبحث اول که به «دلایل اثبات شخصیت حقوقی از منظر فقه» اختصاص دارد اطلاق لفظی ادله بیع، سیره عقلا و مالکیت برخی موضوعات غیرانسانی را مورد بررسی قرار داده است. در مبحث دوم با عنوان «آثار شخصیت حقوقی از منظر فقه»، برخی از آثار مهم همانند مسئولیت مدنی شخصیت حقوقی، مسئولیت کیفری شخصیت حقوقی و استقلال اموال آن را مطرح و بررسی نموده است.

فصل سوم: «مصادیق شخصیت حقوقی در فقه» که در آن مهم‌ترین مصادیق همانند امام و حاکم مسلمین، امت، جهات عمومی، نهاد وقف، بیت‌المال و مالیات‌های اسلامی بررسی شده است.

فصل اول: کلیات

مبحث اول: بررسی لغوی و اصطلاحی شخصیت حقیقی و حقوقی

مبحث دوم: زمینه‌های شخصیت حقوقی در فقه

مبحث سوم: ماهیت شخصیت حقوقی

مبحث چهارم: اقسام شخص حقوقی

مبحث پنجم: فوائد نظریه شخص حقوقی

فصل اول: کلیات

مبحث اول: بررسی لغوی واصطلاحی شخصیت حقیقی و حقوقی

گفتار اول: شخصیت

واژه «شخص»^۱ در لغت به معنای انسان آمده است. «شخصیت» نیز که مصدر جعلی «شخص» است به معنای سبیه مختص هر شخص، خاصه هر فرد و مجموعه عوامل باطنی یک شخص، و مجموع نفسانیات (احساسات، عواطف و افکار) یک فرد ذکر شده است.^۲

این واژه از منظر اصطلاحی، در علوم متعدد معانی مختلفی دارد. مثلاً در روانشناسی، «شخصیت یعنی منش، خصوصیات و تا حدی الگوهای واکنش رفتاری قابل پیش‌بینی که هر فردی چه به صورت خودآگاه و چه به صورت ناخودآگاه، به عنوان سبک و شیوه زندگی از خود نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، به مجموعه صفات هیجانی، رفتاری، منش و خصوصیتی که در شرایط معمولی معرف شخص بوده و برای هر فردی نسبتاً ثابت و قابل پیش‌بینی است، شخصیت اطلاق می‌شود».^۳

اما از نگاه حقوقی، شخص موجودی است که توانایی داشتن حق و تکلیف را دارا می‌باشد.

1. Person.

۲. معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۲، ص ۲۰۳۲.

۳. اسدی نوقایی، احمد علی، روان‌پرستاری (بهداشت روان ۲)، ص ۱۹۱.